

- یک‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۰۹۱**

اورژانس اجتماعی مغلوب فرهنگ ونبود زیرساخت در مناطق کم‌برخوردار

سپهرغرب، گروه اجتماعی – طاهره ترابی‌مهوش؛ در گفت‌وگو با دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی مشخص شد؛ کارایی اورژانس اجتماعی در مناطق کم‌برخوردار مغلوب فرهنگ نبود زیرساخت تعریف‌شده در این مناطق است. معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی برنامه‌های متعددی در سطوح مختلف پیشگیری، تدوین و اجرا می‌شود که کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست.

سازمان بهزیستی کشور چند سالی است که اقدام به راه‌اندازی مرکز مداخله در بحران یا اورژانس اجتماعی کرده تا با پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی شایع و در حال شیوع به‌صورت کشوری و منطقه‌ای و محلی کمک شایانی به افراد آسیب‌دیده کند، این نوع مداخلات، گسترش آسیب‌ها را در جامعه به حداقل خواهد رساند و زمینه برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی و بازگشت آن‌ها به زندگی سالم را فراهم می‌آورد.

مهم‌ترین هدفی که مراکز اورژانس اجتماعی یا مراکز مداخله در بحران دنبال می‌کنند، فراهم آوردن پایگاهی امن برای ارجاع اولیه هر نوع آسیب اجتماعی است حال آنکه بنا به شیوع این آسیب‌ها، در حال حاضر اورژانس اجتماعی به‌طور اختصاصی روی سه محور خودکشی، هسرس‌آزاری و کودک‌آزاری فعالیت می‌کند.جالب‌تر اینکه اورژانس اجتماعی از ابتدا تلاش کرد تا با تخصصی بودن، به‌موقع بودن و در دسترس بودن بتواند در عمل به حل مشکلات آسیب‌های اجتماعی بپردازد.

طبق اساسنامه این سازمان کنترل و کاهش بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، در دسترس قراردادن خدمات تخصصی، کمک به قضازدایی و پیشگیری از وقوع جرم و جایگزینی مداخله‌های روانی اجتماعی به جای مداخله‌های قضائی و انتظامی از مهم‌ترین کارکردهای اورژانس اجتماعی است چراکه برخورد فوری (قضائی- انتظامی) صرف در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی نمی‌تواند کارآمدی پایدار و مستمر داشته باشد؛ زیرا تقویت این رویکرد در درازمدت، پنهان‌شدن و رشد مرمز آن‌ها را به‌دنبال خواهد داشت و هنگام مداخله زمان و هزینه بسیار زیادی باید صرف شود، گاهی مواقع نیز ممکن است مصداق ضرب‌المثل («نوشدارو پس از مرگ سهراب») باشد.

بر این اساس در بیشتر موارد متأسفانه باوجود جایگاه سازمانی این مجموعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی، در برخی نقاط آنگونه که باید از خدمات این سازمان استفاده نکرده و در

عین حال رغبتی نیز به این موضوع ازسوی مردم مشاهده نمی‌شود.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا دراین‌باره با جامعه‌شناس و پژوهشگر خودکشی‌گفت‌وگویی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:



اردشیر بهرامی با بیان اینکه تعریف افراد از خودشان، تحت تأثیر جهان اجتماعی و ساختار فرهنگی‌ای است که در آن زندگی می‌کنند، گفت: این مسئله و آسیب‌های اجتماعی مبتلابه جامعه، صرفاً به اورژانس اجتماعی مربوط نمی‌شود، بلکه در سطح کلان به برنامه‌های توسعه‌ای و اجتماعی وابسته است.

وی اظهار کرد: علاوه بر بعد فرهنگی در این مناطق، زیرساخت‌های تخصصی روان‌شناختی، مددکاری، پزشکی، درمانی، آموزشی و فرهنگی به اندازه کافی توسعه نیافته‌اند.

وی با ابراز اینکه در بیشتر مناطقی که در آن‌ها میزان آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی زیاد است، سطح محرومیت در این مناطق نیز بالاست عنوان کرد: در بسیاری از این مناطق خدمات اورژانش اجتماعی وجود ندارد. این دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی خاطرنشان کرد: از سوی دیگر، ساختار اجتماعی و فرهنگی در شهرستان‌های کوچک‌تر، روستاها و حاشیه شهرها به گونه‌ای است که افراد یکدیگر را می‌شناسند و به‌دلیل ارزش‌های اجتماعی، حاکم، تمایلی به مراجعه به اورژانس اجتماعی، روان‌شناس، مددکار یا مشاور ندارند.

بهرامی با تأکید بر اینکه بسیاری از خانواده‌ها به‌دلیل ترس از برچسب‌زنی و انگ اجتماعی، مشکلات روانی اعضای خانواده را پنهان می‌کنند و ترجیح می‌دهند این رنج را درون خانواده تحمل کنند تا اینکه از متخصصان کمک بگیرند خاطرنشان کرد: در چنین جوامعی، برچسب «بیمار روانی» چنان بار منفی دارد که افراد حاضر

هستند مشکلات خود را نادیده بگیرند تا اینکه انگشت‌نما نشوند.

وی با بیان اینکه این یک چالش مهم است که باید به آن توجه شود افزود: در این بین اورژانس اجتماعی تلاش می‌کند تا با ارائه خدمات روان‌شناختی، مددکاری و حمایتی به افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر کمک کند، جالب‌تر اینکه در بسیاری از موارد، مداخلات اورژانس اجتماعی نه‌تنها فرد، بلکه کل خانواده و اجتماع محلی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

وی ادامه داد: اما مسئله مهم‌تر اینکه ارزیابی و تحلیل عملکرد مجموعه‌هایی مانند اورژانس اجتماعی باید متصفانه و بر اساس واقعیت‌های جامعه باشد چراکه سالانه هزاران نفر از خدمات آن در زمینه مداخله در خودکشی و آسیب‌های مبتلابه در جامعه بهره‌مند می‌شوند.

این پژوهشگر حوزه خودکشی با بیان اینکه بدون این خدمات، بسیاری از این افراد ممکن بود به قربانیان خودکشی تبدیل شوند تشریح کرد: علاوه بر این مداخلات، در کاهش آمار طلاق، اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی نیز تأثیر بسزایی دارد.

بهرامی با ابراز اینکه یقیناً اورژانس اجتماعی به‌تنهایی نمی‌تواند همه ابعاد این معضل را پوشش دهد؛ بنابراین سایر نهادهای مرتبط، ازجمله آموزش‌وپرورش، باید نقش فعال‌تری ایفا کنند تصریح کرد: مثلاً مدارس باید دارای مشاور هستند، اما عملاً در زمینه روان‌شناسی و مشاوره عملکرد مؤثری ندارند.

وی با تأکید بر اینکه دستگاه‌هایی مانند قوه قضائیه و نیروی انتظامی نیز که بخش‌های روان‌شناسی و مددکاری دارند، باید این خدمات را توسعه دهند تا آسیب‌های اجتماعی و جرائم به‌طور مؤثرتر مدیریت شوند، تشریح کرد: همچنین، محیط‌های نظامی و پادگان‌ها که از نظر مشکلات روحی و روانی در سطح بالایی قرار دارند، نیازمند خدمات گسترده مددکاری و روان‌شناختی هستند. شهرداری‌ها و سایر نهادهای مرتبط نیز باید در این زمینه نقش حمایتی بیشتری داشته باشند.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه مشکل اساسی دیگر، کمبود منابع مالی و زیرساخت‌های لازم برای گسترش خدمات اجتماعی است اظهار کرد: در خصوص نوع خاصی از خودکشی یعنی خودکشی از روی پل‌ها و تقاطع‌های شهری (همچون اتفاقی که در همدان طی ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم) است که بسیاری از این موارد منجر به مرگ نشده‌اند، باید بگوییم افرادی که این شیوه را انتخاب می‌کنند، معمولاً مشکلات و بحران‌های حل نشده‌ای دارند که می‌خواهند

اجتماعی

آن‌ها را در فضایی عمومی به نمایش بگذارند.

بهرامی با اشاره به اینکه آن‌ها به‌دنبال آن هستند که صدای خود را به‌گوش جامعه برسانند، زیرا احساس می‌کنند که مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند تصریح کرد: این نوع خودکشی، نه‌تنها یک اقدام فردی، بلکه پیامی به کل جامعه است؛ پیامی که نشان‌دهنده رنج، نادیده‌گرفته‌شدن و نبود حمایت‌های اجتماعی است.

وی با تأکید بر اینکه این افراد با این نوع انتخاب به‌دنبال آن هستند که بگویند این شهر در مرگ من سهیم است زیرا شما به درد من توجه نکردید، به مسئله من اهمیتی ندادید، مشکلاتم را نادیده گرفتید (نه فقط مستولان، بلکه حتی کسانی که در خانواده‌ام زندگی می‌کنند) ابراز کرد: در سطح ملی و طبق اسناد بالادستی متولی پیشگیری از خودکشی وزارت بهداشت است.

وی با ابراز اینکه خودکشی در فضای شهری پیام‌های بسیاری دارد عنوان کرد: زمانی که فردی از بالای پل فریاد می‌زند، درواقع می‌خواهد پیامش را به کل جامعه مخابره کند و اعتراضش را به همه نشان دهد.

این پژوهشگر حوزه خودکشی، با بیان اینکه بخشی از احساس ناامنی که در فضای خیابان ایجاد می‌شود به این موضوع بازمی‌گردد که اساس مسئولیت اجتماعی ما در قبال یکدیگر تحلیل رفته و کمتر به هم اعتماد می‌کنیم، غافل از اینکه رفتار همان فرد روی رفتار فرزندش تأثیر خواهد گذاشت، به همین دلیل باید این احساس مسئولیت اجتماعی و اعتماد عمومی را تقویت کنیم تشریح کرد: اگر نهادهای اجتماعی و مردمی درست شکل می‌گرفت می‌توانست به رشد مسئولیت مدنی کمک کند.

بهرامی ادامه داد: علاوه بر این سازمان امور اجتماعی کشور در وزارت کشور نیز سال‌ها پیش برنامه‌های پیشگیری از خودکشی را با رویکرد اجتماعی اجرا می‌کرد اما با تغییرات سیاست‌گذاری، بخشی از این فشار به دوش سازمان‌هایی مانند اورژانس اجتماعی افتاده است.

وی با اشاره به اینکه بسیاری از سازمان‌های دیگر ازجمله نهادهایی که در زمینه اشتغال، آموزش و فرهنگ‌سازی فعالیت می‌کنند نیز در این حوزه نقش دارند، خاطرنشان کرد: رسانه‌ها نیز تأثیر بسیار مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارند؛ بنابراین اگر هریک از این بخش‌ها در حوزه خود نقش حمایتی خود را ایفا کنند، جامعه این چنین ضعیف و ناتوان نخواهد شد. این دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی با بیان اینکه متأسفانه، ما با بحران‌های مالی، تورم و گرانی‌هایی مواجهیم که منابع حمایتی را از جامعه

گرفته و بسیاری از افراد را در وضعیت آسیب‌پذیر قرار داده تصریح کرد: این‌ها واقعیت‌هایی هستند که همه ما را زمین‌گیر کرده‌اند اما بیشتر به‌سادگی از کنارشان عبور می‌کنیم.

بهرامی در واکنش به این مسئله که در حوزه مسائل اجتماعی، به‌ویژه خودکشی برخی معتقدند که این موضوع باید به‌صراحت در جامعه مطرح شود و رسانه‌ها درباره آن اطلاع‌رسانی کنند اما در مقابل، عده‌ای معتقدند که پرداختن روی این موضوع می‌تواند به گسترش آن دامن بزند، نظر شما چیست؟ عنوان کرد: نخستین نکته این است که انجمن جهانی پیشگیری از خودکشی در سال ۲۰۲۴ شعار خود را بر «تغییر روایت خودکشی» و «باز کردن باب گفت‌وگو» متمرکز کرده است.

وی افزود: این بدان معنا است که باید درباره خودکشی صحبت کرد، چراکه سکوت درباره آن خطرناک‌تر است، البته نحوه پرداختن به این مسئله بسیار مهم است.

این جامعه‌شناس مطرح کرد: انتشار اخبار خودکشی باید بر اساس اصول حرفه‌ای صورت گیرد. به‌عنوان مثال، جزئیات دقیق مرگ فرد و تصاویر مرتبط با آن نباید در رسانه‌ها بازتاب یابد حتی کلمه «خودکشی» نباید در تیتَر خبر گنجانده شود، بلکه به‌جای آن، می‌توان عبارتی مانند «به زندگی خود پایان داد» را به کار برد، گفت: رعایت این اصول، مانع از افزایش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

بهرامی با بیان اینکه مورد بعد اینکه خودکشی می‌تواند یکی از نشانه‌های ضعف در حوزه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، ناکارآمدی برنامه‌های توسعه، رشد نابرابری‌های اجتماعی و رشد تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها در جامعه باشد اذعان کرد: بخشی از آسیب‌های مبتلابه جامعه به عملکرد ساختارهای برنامه‌ای، توسعه‌ای و سیاست‌گذاری‌های دولت بازمی‌گردد؛ بنابراین انتشار هر نوع خبر با این مضمون می‌تواند نشان‌دهنده کاستی‌ها و ضعف‌ها باشد و به همین دلیل همیشه بین کل حوزه سیاست‌گذاری و جامعه بر سر اینکه آمار‌ها چگونه باید ارائه شود، بحث‌های اساسی وجود دارد.

وی اذعان کرد: به اعتقاد من این آمار‌ها باید در اختیار پژوهشگران، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، سیاست‌گذاران و برنامه‌نویسان قرار گیرد تا با درک درستی از وضعیت موجود، درخصوص ساختارهای بتوانند برنامه جامع و کاملی را در سطوح مختلف جامعه برای مداخله و بازتوانی در مسئله آسیب‌های اجتماعی و به طور خاص خودکشی طرح‌ریزی کنند.

■ هدیه‌ای به ارزش یک سکه ناقابل از نوع بهار آزادی!

البته گاه دانشجویان متمول در اجرای پذیرایی‌های روز دفاعشان، به این حد بسنده نمی‌کنند و به جای یک شاخه گل، گلدانی به نشان طراوت طبیعت، کتابی ارزنده و یک یادگاری ارزشمند اما کم‌قیمت برای قدردناسی از اساتید راهنمای خود، به قدر برهم زدن همه تابوها، سنت‌ها، قوانین ارزشی و انسانی و در یک کلام به حد در هم ریختن معادلات استاد و شاگردی هدایایی با ارزش مالی فراوان درنظر می‌گیرند. مواردی همچون تقدیم یک سکه طلایی رنگ بر روی یک لاکچری پذیرایی از اساتید حاضر در جلسه!

■ راهکارهای مقابله با تجمل‌گرایی در عرصه دانش

انگار اینجا هم حرف و سخن افاقه‌ای ندارد و برای مقابله با این روند رو به رشد در معضل تجمل‌گرایی، باید پای قانون وسط بیاید! قوانینی برای ساده‌سازی و کاهش هزینه‌های پذیرایی. به‌عنوان مثال، می‌توان به دانشجویان توصیه کرد که از پذیرایی‌های ساده و مختصر استفاده کنند و به جای تمرکز بر تجملات، به کیفیت محتوای علمی و پژوهشی خود بپردازند. همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد قوانین و سیاست‌های مناسب، برگزاری جلسات دفاعیه را به سمت ساده‌سازی و کاهش هزینه‌ها هدایت کنند.

■ پذیرایی آری، بریز و بپاش نه!

پذیرایی از مهمانان در جلسات دفاعیه امری مهم و لازم است، اما باید تنها نشانه‌ای از احترام و تشکر باشد، نه وسیله‌ای برای چشم و هم‌چشمی و جلب توجه مخاطبان و لازم نیست که این پذیرایی‌ها به شکل‌های بسیار پرهزینه تبدیل شود. در ضمن نباید فراموش کنیم که هدف اصلی جلسات دفاعیه، ارزیابی علمی و پژوهشی دانشجویان است و نباید با تجمل‌گرایی و پذیرایی‌های لاکچری این هدف اصلی تحت تأثیر قرار گیرد. باید تا می‌شود از افراط در پذیرایی آن هم در یک محیط علمی خودداری و تاحد ممکن آن‌ها را ساده و محترمانه برگزار کرد تا به همه دانشجویان امکان برگزاری جلساتی بدون نگرانی از هزینه‌ها و چشم و هم‌چشمی را بدهد. دانشگاه‌ها هم باید دست بچینانند تا با اتخاذ سیاست‌های مناسب و متناسب، از تداوم و گسترش این بدعت‌ها جلوگیری کنند

و جلسات دفاعیه را به مسیری صحیح و علمی هدایت کنند.

خبر

تأثیر تجربیات ناخوشایند کودکی بر زندگی عاطفی بزرگسالی

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ افرادی که در کودکی، آزار یا بی‌توجهی می‌بینند، در بزرگسالی از مشکلات روزمره، احساس ناراحتی بیشتری می‌کنند و از لحظات خوب کمتر لذت می‌برند.

ویگاه نوروساینس نیز در گزارشی آورده است؛ یافته‌های جدید پژوهشگران دانشگاه هریوت‌وات در اسکاتلند نشان می‌دهد که تجربیات ناخوشایند دوران کودکی باعث می‌شود افراد به رویدادهای بد واکنش منفی‌تری نشان دهند؛ ضمن اینکه بر نحوه واکنش آن‌ها به رویدادهای خوشایند زندگی روزمره نیز تأثیر می‌گذارد.

تا ۸۶ ساله مطالعه کردند تا دریابند تأثیر ناملایمات دوران کودکی بر واکنش افراد به تجربیات روزمره، خوب و بد، چگونه است. به‌نظر می‌رسد در برخی موارد رویدادهای خوب نیز واکنش‌های منفی آن‌ها را برمی‌انگیزند.

دکتر سوفی پاتر (Sophie Potter)، سرپرست گروه پژوهشی گفت: افرادی که در کودکی آزار جسمی و عاطفی را تجربه کرده‌اند، واکنش‌های عاطفی قوی‌تری به مشکلات روزمره نشان می‌دهند. آن‌ها واکنش منفی بیشتری به اتفاقات بد نشان می‌دهند؛ ضمن اینکه درباره اتفاقات خوب، کمتر احساس خوشحالی می‌کنند. در واقع، به‌نظر می‌رسد در برخی موارد رویدادهای خوب نیز واکنش‌های منفی آن‌ها را برمی‌انگیزند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، تجربیات ناخوشایند دوران کودکی به‌طور نامحسوس، زندگی عاطفی دوران بزرگسالی را شکل می‌دهد. ممکن است این افراد از یک اختلال بالینی عمده رنج نبرند، اما ناملایمات دوران کودکی تأثیری نامحسوس بر زندگی روزمره آن‌ها داشته باشد.

دکتر پاتر توضیح داد: فهم این موضوع که تجربیات ناخوشایند دوران کودکی ممکن است در دوران بزرگسالی بر نحوه تجربه وقایع خوب و بد تأثیر بگذارد، احتمالاً به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای خود را تنظیم کنند و سازگار شوند.

گزارش این پژوهش در مجله ایموشن (Emotion) انجمن روان‌شناسی آمریکا منتشر شد است.

نباید در فضای مجازی منفعل باشیم

یکی از عناصر محوری فرهنگ، خوراک بوده و تأثیر خوراک بر فرهنگ بسیار عمیق و گسترده است. به‌گونه‌ای که از طریق خوراک و عادات غذایی یک جامعه می‌توانیم به ویژگی‌های فرهنگی آن پی ببریم. ازآنجاکه فرهنگ ما یک فرهنگ تلفیقی است، این تلفیق در خوراک نیز نمایان می‌شود و خوراک جنبه‌های تلفیقی به خود می‌گیرد.

در مقابل، در غرب، فرهنگ به سمت تخصص‌گرایی پیش رفته و خوراک نیز به‌صورت تجزیه‌شده تهیه و سرو می‌شود. تغییرات فرهنگی و تغییر در خوراک و عادات غذایی دو مقوله‌ای هستند که ارتباط متقابل با یکدیگر دارند. یعنی تغییرات فرهنگی باعث تغییر خوراک و تغییر خوراک نیز باعث تغییر در فرهنگ می‌شود؛ البته این موضوع نیز باید مورد توجه قرار گیرد که ایرانیان در طول تاریخ همواره با فرهنگ‌های دیگر تعامل داشته‌اند و این خوراک‌هایی که الآن وجود دارد حاصل تعامل با اقلیم‌های مختلفی است که ایرانی‌ها به‌صورت گزینشی آن‌ها را انتخاب کرده و گسترش داده‌اند.

مسئله اصلی که این روزها در تبلیغات فضای مجازی وجود دارد مبحث مصرف‌گرایی در حوزه غذایی است. اما مهم‌تر از مبحث مصرف‌گرایی ایجاد یک ناهم‌ترازی فرهنگی است. درواقع اگرچه ما در جهانی تعاملی زندگی می‌کنیم و معرفی غذاها و فرهنگ‌های مختلف امری بدیهی است اما مسئله این است که تعامل متقابل وجود ندارد. درواقع اکنون تولید محتوا در فضای مجازی به شکل منفعل انجام می‌شود؛ یعنی ما تجربیات دیگران را به ایرانیان منتقل می‌کنیم، اما کمتر تجربیات ایرانیان را به دیگران ارائه می‌دهیم.

این مسئله باعث ایجاد یک ناهم‌ترازی فرهنگی می‌شود. درحالی‌که اگر تولید محتوا به‌صورت تعاملی و دوطرفه باشد، تجربه نشان داده است که غذاهای ایرانی در کشورهای دیگر بسیار محبوب خواهند شد.

■ **علی انتظاری؛ دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی**